



نکته بعدی اینکه نفت به چه کسانی فروخته می‌شود؟ در کجای قوانین کشور آمده است که نفت باید به الف، ب یا ج فروخته شود. هیچ وزیر اقتصادی هم نه قبل و نه بعد از من نمی‌داند که نفت ایران به چه کسانی فروخته می‌شود. اگر چه ما به طور عام می‌دانیم کشورهایی چون چین، ژاپن، کره و هند و اروپا از خریداران نفت ما هستند، پس پاسخ این سؤال که آیا دولت نفت می‌فروشد؟ موضوعیت ندارد. چون مدیریتی در شرکت ملی نفت ایران، این کار را انجام می‌دهد. ضمن اینکه این مدیریت برای فروش نفت از هیأت وزیران یا تیم اقتصادی دولت اجازه‌ای نمی‌گیرد و بر اساس ضوابط خودش این کار را می‌کند که البته علی‌القاعده دستگاه‌های نظارتی هم بر آن نظارت می‌کنند.

● چرا برخی انتظار دارند شما

با یک زنجانی را بشناسید؟

نمی‌دانم کسانی که انتظار دارند من با یک زنجانی را بشناسم، توقع آنها بر اساس چه استنادی است. مگر وزیر اقتصاد خرید و فروش نفت می‌کند یا با زنجانی مرادوه یا عکس یادگاری و... داشته‌م. اگر هم تا به امروز در مورد این متن سکوت کرده بودم به خاطر این بود که به شخصه فکرمی‌کردم وزارت نفت و بانک مرکزی وظیفه بیشتری برای توضیح و پاسخگویی دارند. اما شاید هم می‌خواهند القا کنند که من با یک زنجانی را می‌شناختم!

● به نظرات بزرگترین تخلف

با یک زنجانی چه بود؟

این را باید قاضی پرونده بگوید. به هر حال اطلاعات من در حد اطلاعاتی است که از سخنگوی قوه قضائیه و در رسانه‌ها شنیده‌ام یا حد اکثر در حد اطلاعاتی است که در گفت‌وگو با برخی داشته‌ام. فکرمی‌کنم نکته‌ای که الان حائز اهمیت است، این است که متأسفانه تحریم‌ها باعث شد دولت‌ها نتوانند به منابع حاصل از فروش نفت طبق روال عادی خود دست یابند به طوری که نمی‌توانند سهم خزانه به صورت ریال و سهم نفت را به صورت ارز دریافت کنند. بر اساس

اطلاعاتی که داشتیم، شرکت‌های اروپایی در چند سال اخیر، چند میلیارد دلار از ما نفت خریدده‌اند و پول آن را به بهانه تحریم‌ها نداده‌اند. آنها می‌گویند: «حسابی باز کنید تا ما پول نفت‌تان را به این حساب‌ها واریز کنیم. آنها در حال حاضر یعنی حتی چند ماه بعد از برجام هم همین حرف‌ها را می‌زنند. من خودم احساس می‌کنم شاید یکی از دلایلی که غربی‌ها تحریم‌ها را ادامه می‌دهند، این است که اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی پشت پرده می‌توانند افرادی سیاسی‌ای باشند که از این تحریم‌ها سود می‌برند. مثلاً یک شرکت بزرگ اروپایی چندین میلیارد دلار از پول نفت ایران را نداده و بهانه‌اش هم این است که حسابی باز کنید تا ما این مبالغ را واریز کنیم.

من وقتی ارقام پایه پولی سال ۹۲ را بررسی می‌کردم بالاترین رشد نقدینگی مربوط به خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است که در سال ۹۲، ۱۱۵ درصد افزایش پیدا کرده بود که بالاترین رقم محسوب می‌شود. نکته این است که وقتی می‌گویم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش پیدا کرده است به این معناست که به طور معمول وقتی نفت توسط شرکت نفت به فروش می‌رسد، دلارها به حساب‌های دولت نزد بانک مرکزی واریز شده و بانک مرکزی این دلارها را در بازار بانکی می‌فروشد و بعد از فروش دلارها در بازار بانکی، ریال آن را به خزانه واریز می‌کند. گویا

سال ۹۲ حتی پس از سرکارآمدن دولت یازدهم بنا به دلایلی در انتهای سال، رقم قابل توجهی از این ارزها به حساب بانک مرکزی واریز نمی‌شود. شاید هم دولت نتوانسته باشد این ارزها را دریافت کند یا

● عکس یادگاری با بابک زنجانی ندارم

نمی‌دانم کسانی که انتظار دارند من با یک زنجانی را بشناسم، توقع آنها بر اساس چه استنادی است. مگر وزیر اقتصاد خرید و فروش نفت می‌کند یا با زنجانی مرادوه یا عکس یادگاری و... داشته‌م. اگر هم تا به امروز در مورد این متن سکوت کرده بودم به خاطر این بود که به شخصه فکرمی‌کردم وزارت نفت و بانک مرکزی وظیفه بیشتری برای توضیح و پاسخگویی دارند. اما شاید هم می‌خواهند القا کنند که من با یک زنجانی را می‌شناختم!

تا شیرینی فروشی و پروژه بزرگ ایران زمین. یعنی بابک زنجانی حتی با شهرداری تهران، آن هم در مورد یک پروژه چندهزار میلیارد تومانی مرادواتی داشته است. اما نام او به‌عنوان تاجری که از دهه ۷۰ وارد اقتصاد ایران شده و با بخش‌های خصوصی و دولتی همکاری داشته در دولت دهم بعد از جلسه استیضاح شیخ‌الاسلام علنی می‌شود. ماجرا از این قرار است که گویا زنجانی بعد از اینکه نامش در لیست تحریم‌ها قرار می‌گیرد از بلوکه شدن منابعمش در خارج از کشور نگران می‌شود، لذا بعد از این دغدغه به این فکر می‌افتد که منابعمش را به دارایی‌هایی در داخل کشور تبدیل کند. وی تصمیم می‌گیرد شرکت‌هایی را از تأمین اجتماعی خریداری کند که این نوع مسائل اتفاق می‌افتد. ظاهراً کسانی هم می‌خواستند در این مسأله دخالت کنند که رئیس تأمین اجتماعی آن فیلم راضیط می‌کند و به رئیس جمهور گزارش داده و دکتر احمدی‌نژاد هم این قضیه را در روز استیضاح شیخ‌الاسلام افشا کرد. در این رابطه قضیه‌ای نیز در مورد بانک مسکن اتفاق افتاد که روایتش خالی از لطف نیست. یک روز یکی از مدیران بانکی با من تماس گرفت و تلویحاً گفت: «با یک سری از بی‌احتیاطی‌ها ممکن است کلاه گشادی بر سر بانک مسکن برود». وقتی ماجرا را پرسیدم، گفت: بانک مسکن به تأمین اجتماعی نامه نوشته که به حساب تأمین اجتماعی نزد یکی از بانک‌های پوششی بانک مسکن، چند میلیارد دلار پول واریز شده است، گویا این پول از طریق بانک یا شرکتی انجام شده که تحریم است. من وقتی این حرف‌ها را شنیدم و دیدم که رقم مذکور عدد بسیار درشتی است، با مدیرعامل بانک مسکن تماس گرفته و گفتم: «آقای شریفی من به طور در بسته و خلاصه چنین موضوعی را شنیده‌ام. اگر خود یا افراد دیگری در این باره مطلع هستید سریعاً به دفترم بیایید». نزدیکی‌های غروب شریفی به همراه مسئول بین‌الملل بانک به دفترم آمده و نامه را به همراه یک سری سوابق به من نشان دادند. طبق این نامه، بانک مسکن به تأمین اجتماعی گواهی داده بود که عددی حدود چند میلیارد دلار به حساب تأمین اجتماعی واریز شده است. من گفتم: «شما به چه استنادی این کار را کرده‌اید؟» آنها هم برگه‌ای شامل شماره سوئیتی آن را به من نشان دادند و من گفتم: «شنیده‌ام منابع یادشده تحریم شده‌اند و این پول جزء منابع تحریمی است». اما همکاران بانک مسکن از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کردند. من به آنها گفتم شما ریسک نکنید از اینجا که می‌روید اگر از تحریم این منابع مطمئن شدید، بلافاصله به تأمین اجتماعی نامه بزنید که ما اطلاعاتی داریم که این پول تحریم یا مسدود است و با این کار، نامه قبلی خودتان را ابطال و اعلام کنید.

به بانک مرکزی اجازه داده شد بنا به درخواست شرکت نیکو، ارز مورد نیاز را در هالک بانک ترکیه به حساب «بانک Fiib» مستقیماً واریز نمایند، یعنی موضوع این نامه نقل و انتقال پول است. فرض کنید این متن یک مصوبه باشد که چنین نیست، چون مراحل تصویب آن طی نشده است، کجای آن تأیید بابک زنجانی برای فروش نفت است

تأمین اجتماعی خریداری کند که این نوع مسائل اتفاق می‌افتد. ظاهراً کسانی هم می‌خواستند در این مسأله دخالت کنند که رئیس تأمین اجتماعی آن فیلم راضیط می‌کند و به رئیس جمهور گزارش داده و دکتر احمدی‌نژاد هم این قضیه را در روز استیضاح شیخ‌الاسلام افشا کرد. در این رابطه قضیه‌ای نیز در مورد بانک مسکن اتفاق افتاد که روایتش خالی از لطف نیست. یک روز یکی از مدیران بانکی با من تماس گرفت و تلویحاً گفت: «با یک سری از بی‌احتیاطی‌ها ممکن است کلاه گشادی بر سر بانک مسکن برود». وقتی ماجرا را پرسیدم، گفت: بانک مسکن به تأمین اجتماعی نامه نوشته که به حساب تأمین اجتماعی نزد یکی از بانک‌های پوششی بانک مسکن، چند میلیارد دلار پول واریز شده است، گویا این پول از طریق بانک یا شرکتی انجام شده که تحریم است. من وقتی این حرف‌ها را شنیدم و دیدم که رقم مذکور عدد بسیار درشتی است، با مدیرعامل بانک مسکن تماس گرفته و گفتم: «آقای شریفی من به طور در بسته و خلاصه چنین موضوعی را شنیده‌ام. اگر خود یا افراد دیگری در این باره مطلع هستید سریعاً به دفترم بیایید». نزدیکی‌های غروب شریفی به همراه مسئول بین‌الملل بانک به دفترم آمده و نامه را به همراه یک سری سوابق به من نشان دادند. طبق این نامه، بانک مسکن به تأمین اجتماعی گواهی داده بود که عددی حدود چند میلیارد دلار به حساب تأمین اجتماعی واریز شده است. من گفتم: «شما به چه استنادی این کار را کرده‌اید؟» آنها هم برگه‌ای شامل شماره سوئیتی آن را به من نشان دادند و من گفتم: «شنیده‌ام منابع یادشده تحریم شده‌اند و این پول جزء منابع تحریمی است». اما همکاران بانک مسکن از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کردند. من به آنها گفتم شما ریسک نکنید از اینجا که می‌روید اگر از تحریم این منابع مطمئن شدید، بلافاصله به تأمین اجتماعی نامه بزنید که ما اطلاعاتی داریم که این پول تحریم یا مسدود است و با این کار، نامه قبلی خودتان را ابطال و اعلام کنید.

تاریخ شفاهی

✂️ برش

وضعیت تجارت ایران و امارات، وضعیت خاصی شده است. به قول یکی از بازرگانان ایران، تجارت این دو کشور خانوادگی است. یعنی بین تجار و شرکت ایرانی و تاجر و شرکت به ظاهر اماراتی حتی قرابت فامیلی چون برادر یا برادر یا پسرعمو یا پسرعموبرفرار است. شما اگر الان در دویبی قدم بزنید، تعداد قابل ملاحظه‌ای ایرانی خواهید دید که کسبه و تاجار امارات هستند. حتی جمع زیادی از کسانی که به افراد بومی در امارات مشهور هستند ایرانی‌الاصل هستند. اگر خاطرتان باشد در آبان و آذر ۸۹ نوسان نرخ ارز کنترل شد. اتفاق دیگری که افتاد این بود که نطفه ارز دو نرخی در کشور بسته شد. در کنار صراف‌خانه‌ها و... ما یک جریان رسمی تبادل پول داشتیم. آن موقع مابه‌التفاوت بیشتر از ۱۰۰ تومان به‌عنوان دو نرخی یاد می‌شد. چون گفته می‌شد که هزینه تبدیل در بازار موازی به حدود ۱۰۰ تومان رسیده است.

● دیپلماتیک بود.

در سال ۸۹ و در متن قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل، اثری از تحریم بانک مرکزی وجود ندارد. تعبیر من این است که امریکایی‌ها کشورهای مخالف مانند چین و روسیه را دور زدند و با یک سازش ضمنی، متنی تفسیرپذیر را به تصویب رساندند. یعنی در متن قطعنامه، شما نه تحریم بانک مرکزی و نه تقویض اختیار به امریکا را نمی‌بینید. اما چون در متن قطعنامه اختیار وضع تحریم‌های بیشتر به کشورها واگذار شده است با تفسیرهای زورگویانه، امریکایی‌ها دست به تحریم بانک مرکزی زدند. قطعنامه ۱۹۲۹ اثر مستقیمی در شدت بخشیدن فشارهای تحریمی قبلی نداشت یعنی ما تا اوایل تابستان ۱۳۸۹ با توجه به اقداماتی که انجام می‌شد مشکل حادی نداشتیم. ولی از نیمه دوم تابستان، افزایش قیمتی در بازار از مشاهده شد که البته به هیچ وجه در حد شوک نبود. آن زمان مشکل به این برمی‌گشت که تحت فشار امریکایی‌ها، بانک‌های اماراتی، از جمله بانک مرکزی آن، در تبدیل ارز همکاری لازم را انجام ندادند.

به هر حال بیشتر تجار ما کارهایشان را از طریق دویبی انجام می‌دادند. برای مثال ما در بانک‌های امارات ذخایر دلاری داشتیم. از طرفی تاجر ایرانی با درهم امارات کار می‌کرد و نیاز به درهم داشت، اما درهم اماراتی عرضه نمی‌شد یا کم عرضه می‌شد، دلارهای ایران به میزان لازم تبدیل به درهم نمی‌شد تا بتوانیم درهم مورد نیاز تجار را تأمین کنیم. اتفاقی که می‌افتاد این بود که قیمت درهم در مقابل ریال بالا می‌رفت یا ارزش قیمت ریال افت می‌کرد. به‌دنبال آن قیمت دلار نیز افزایش می‌یافت، چون درهم به دلار وصل یا به اصطلاح **pege** است، لذا ما در بازار تهران می‌دیدیم که ارزش ریال پایین آمده و ارزش درهم و دلار رو به افزایش است.

در مقابل محدودیت‌هایی که آنها ایجاد کردند در آن مقطع توسط برخی مدیران و مسی و لان بانکی تلاش شد از طریق برخی از کشورهای عربی همسایه مشکل حل شود، حتی تا حدی مبادلات ارزی به سمت ترکیه معطوف شد. با این تلاش‌ها مشکل تا میزان قابل توجهی مهار شد تا آنجا که بتدریج خود اماراتی‌ها نگران شدند. در همین گیر و دار یک روز وزیر اقتصاد، وزیر بازرگانی و رئیس بانک مرکزی امارات بدون دعوت قبلی به تهران آمدند و با من، بهمنی و غضنفری ملاقات کردند. برآیند صحبت‌های آنها این بود که می‌خواستند روابط‌شان را با ایران دوباره مانند قبل از سر بگیرند و به نوعی از ما دلجویی کنند. به هر حال اماراتی‌ها خوب می‌دانستند از تحریم علیه ایران متضرر خواهند شد. چرا که امارات در طی سالیان متممادی برای تاجر ایرانی به یک واسطه خدمات بازرگانی در تجارت بین‌الملل تبدیل شده بود. به فرض، تاجر ایرانی وقتی می‌خواهد کالایی را حتی از امریکا وارد کند در امارات دفتری دایر کرده و کارهایش را از آنجا انجام می‌دهد. البته خود این مسأله برای اقتصاد ایران مشکلاتی در راستای عدم شفافیت ایجاد می‌کند. از طرفی از این راه، درآمد سرشاری برای اماراتی‌ها حاصل می‌شود.

● رقمی از درآمد اماراتی‌ها دارید؟

توجه کنید امارات تا قبل از این تحریم‌ها بزرگترین شریک تجاری ایران بود. در حالی که امارات به این میزان نه واردات به ما و نه صادرات از ما دارد. اما تاجر ما هنگام واردات و صادرات از مبادی امارات استفاده کرده و با فضا سازی سنگینی توانستند این قطعنامه را به بهانه‌هایی مانند عدم رعایت حقوق بشر و... طراحی کنند. این قطعنامه در اواخر بهار ۸۹ صادر شد. در هنگام صدور این قطعنامه یکی از نگرانی‌ها و بحث‌های مهم، احتمال تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی توسط شورای امنیت بود. آن روزها چین و روسیه گفته بودند که اگر بنا باشد بانک مرکزی ایران تحریم شود آن قطعنامه را وتو خواهند کرد و آن را تأیید نخواهند کرد که حاصل تلاش‌های